



## چکیده

# امکان سنجی شروط تحقق اجماع تقریری با تکیه بر تاریخ حدیث شیعه در عصر صدور

امین عظیمی

رضا لک علی آبادی

اجماعات از مهم ترین مسائل علم اصول و از منابع مهم استدلال فقهاء است. اما به علت وجود موانع مختلف، دستیابی حسی به قول معصوم در هر یک از انواع اجماع ناممکن شده است. در این میان، اجماع تقریری اجماع جدیدی است که توانسته این مشکل را حل کند. این مقاله با تبیین نو از اجماع تقریری - که از استاد سید مجتبی خامنه وام گرفته شده است - علاوه بر اثبات حجیت آن، تلاش کرده است از مسیر پاسخ به چالش هایی که در رابطه با امکان تحقق شرایط آن وجود دارد، این اجماع را از سرنوشت اجماع دخولی مصطلح خارج و حضور معصومین بین اجماع کنندگان را ممکن سازد. به منظور رسیدن به این مقصود، اجماع از عصر فقهاء به عصر ائمه انتقال پیدا کرده و اجماع شاگردان ایشان پیرامون کتب احادیث شکل می گیرد. در این بین شواهد تاریخی و روایی متعددی با روش فیش برداری، جهت پاسخ به سؤالات مربوط به امکان تحقق شرایط آن، تحلیل و توصیف شده و از این رهگذر نتایج ویژه ای به دست آمده است. اولاً کتب اصحابی که بر آن ها اجماع صورت گرفته است کتاب عمل و فتوا بوده اند، ثانیاً امکان تأیید یا رد کتب اصحاب برای تعدادی از ائمه اطهار وجود داشته است، ثالثاً امکان کشف اجماع در عصر معصومین وجود دارد، رابعاً تحصیل اجماع با وجود منقول بودن شهرت کتب ممکن است.

## واژگان کلیدی

اجماع، اجماع تقریری، شهرت، وثوق به صدور، سید مجتبی خامنه.

azimi.a.14@gmail.com

Lakaliabadi@chmail.ir

۱. طلبه سطح ۴ حوزه علمیه قم، مدرسه فقهی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام قم.

۲. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم.

## مقدمه

اهمیت مسئله اجماع فقهاء به حدی برای علمای اصول و فقه مهم است که آن را در عرض قرآن و سنت برای استنباط احکام شرعی فرض کرده‌اند. اگرچه اجماع را از باب کاشفیت از قول معصوم علیه السلام پذیرفته‌اند، اما به ندرت در سیر استفاده از اجماع‌های مختلف به قول معصوم علیه السلام پی می‌برند؛ برای اجماع دخولی مصداقی نمی‌یابند؛ در اجماع لطفی اجرای قاعده لطف را در عصر غیبت الزامی نمی‌دانند؛ در اجماع حدسی اجتهادات فقهاء را مانع از کاشفیت اجماع از قول معصوم علیه السلام تلقی می‌کنند؛ در اجماع منقول نقل اجماع را حدسی فرض می‌کنند؛ به علت عدم اتصال اجماع علمای متقدم به عصر معصوم علیه السلام و مدرکی بودنش، کارایی برای آن تصور نمی‌کنند. پس در واقع، یا مشکلی در صغری‌یابی اجماع پیش می‌آید و یا در اثبات کبری مانع به وجود می‌آید. این مشکلات از اصول به فقه نیز سرایت پیدا کرده است و اجماع را در حد دلیلی برای احتیاط در فتوی، یا دلیل ظنی برای تجمیع ظنون، یا جابر ضعف سند استفاده می‌کنند. در واقع اغلب موارد اجماع در کشف مستقل از قول معصوم علیه السلام دچار مشکل هستند. به نظر می‌رسد راه حل این معضل، ارائه و بررسی اجماع تقریری است که با انتقال اجماع از فقهای عصر غیبت به شاگردان اهل بیت علیهم السلام در عصر حضور آنها، کشف قول معصوم را دست یافتنی تر می‌کند. اما این اجماع در تحقق‌یابی دچار چالش است که در نگاه ابتدایی آن را از مرحله انتزاعی و تخیلی بیرون نمی‌آورد. این چالش بیشتر به جهت کم‌توجهی به شواهد مندرج در تاریخ حدیث شیعه به وجود آمده است. از این رو مسئله اصلی مقاله حاضر، بررسی امکان‌سنجی مهم‌ترین مبانی و شرایط تحقق اجماع تقریری است که براساس شواهد و قرائن موجود در منابع تاریخ حدیث شیعه مورد کاوش قرار خواهد گرفت. این امر لازم دارد تا در ابتدا به شکل اجمالی، تبیینی متقن از تعریف اجماع تقریری و چگونگی به حجیت رسیدن آن ارائه شود.

اجماع مورد بحث این مقاله با درس‌آموزی از دروس خارج سال ۹۸ استاد سیدمجتبی خامنه انجام گرفته است. در عین حال به توسعه توضیحات، ادله و مستندات لازم برای تکمیل مسئله اقدام شده است؛ به طوری که خلاءهای موجود در تبیین بحث را به وسیله‌ی منابع

مختلف پر می‌کند و مضاف بر توضیح ادله‌ی مطرح شده در درس ایشان، ادله‌ی بیشتری را برای تبیین و اثبات مسئله استفاده می‌کند. علاوه بر این، در نوشتار حاضر اجماع تقریری با دیگر اجتماعات مطرح در کتب فقهی و اصولی مقایسه و اشتراکات و افتراقات آن استخراج شده است تا نوآوری و ریشه‌های آن مشخص شود. بنابراین، این مقاله صرفاً تقریری از درس خارج جناب استاد نبوده و تلاش شده است که مسئله بسط داده شود و مستندسازی بیشتری در آن شکل بگیرد تا در اثبات هر چه بیشتر مدعاهای داخل آن موفق‌تر عمل شود و با پاسخ تفصیلی به سؤالات احتمالی، ابهامات مسئله رافع کند. از همه مهم‌تر، توانسته است - قبل از امکان‌سنجی اجماع تقریری - حجیت آن را به اثبات برساند. با نگاهی به تقریرات موجود از ایشان، مشخص می‌شود که این مقاله با حذف تفصیلاتی که اقتضای تدریس بوده، و افزودن مستندات بیشتر، و با انضباط دادن به مباحث مطرح در آن علاوه بر تکمیل و اثبات مسئله، به انسجام دقیقی از آن دست یابد و آن را به‌عنوان یک نظریه قابل اثبات و قابل ارائه به جامعه‌ی علمی تقدیم کند. البته باید خاطر نشان کرد که در مقاله حاضر نقشه راه، اصول بحث و نکات مهمش از درس استاد تلقی شده است.

در ادامه، مهم‌ترین مسائلی که جهت تحقق شرایط اجماع تقریری وجود دارد مورد بحث واقع می‌شود؛ که عبارتند از: ۱- آیا کتب اجماعی عصر ائمه، کتب فتوایی بوده‌اند؟ ۲- آیا نظارت فقهی ائمه علیهم‌السلام بر کتب شاگردانشان حاکم بوده است؟ ۳- آیا کشف شهرت کتب اصحاب ائمه علیهم‌السلام امکان‌پذیر است؟ ۴- چگونه اجماع تقریری از اشکالات اجماع منقول گذر می‌کند؟

در پیشینه‌یابی اجماع تقریری تعاریف کوتاه، بدون طرح امکان تحصیل آن در بیانات آیت‌الله خرازی، مرحوم جزائری و مرحوم مظفر (خرازی، ۱۴۲۲، ۵، ۱۰۸؛ جزائری، ۱۴۱۵، ۴، ۳۵۵؛ مظفر، ۱۴۳۰، ۳، ۱۱۵) دیده می‌شود. در بعضی از مقالات نیز از اجماع تقریری نام برده و به تعریف مجملی از آن بسنده شده است (جناتی، ۱۳۷۰، ۱۶-۴۰؛ ۱۳۷۵، ۲۰-۶۵؛ ساعدی، ۱۳۸۴، ۴۲-۱۶۱؛ قبله‌ای، ۱۳۷۵، ۴۴-۳؛ عابدی شاهرودی، ۱۳۶۸، ۲۳-۳۹). کم حجم مطرح شدن این مسئله در بیشتر منابع علمی حکایت از آن دارد که اجماع تقریری در نگاه محققین امکان تحقق ویژه‌ای نداشته و این مقاله می‌خواهد در احیاء کردن آن قدم دیگری بردارد. اندک محققینی که مفصل‌تر به این مسئله

پرداختند مدعی اند مبدع اجماع تقریری آیت‌الله شبیری زنجانی است؛ اما باید توجه کرد که اجماع تقریری مدنظر ایشان، متفاوت با اجماع تقریری تبیین شده در این مقاله است؛ زیرا آیت‌الله شبیری زنجانی معتقدند اجماع تقریری اتفاق اصحاب ائمه علیهم‌السلام بر فتوا است (امامی، ۱۳۸۸، ۱۲۹)، در حالی که اجماع تقریری مورد نظر این نوشتار، اجماع اصحاب بر صدور روایت یا کتاب روایی است. تفاوت اساسی دیگر این است که، اجماع تقریری این مقاله حسی است اما اجماع تقریری مدنظر ایشان اجماع حدسی است؛ که از اجماع علمای متقدم با وجود شرایطی مثل عام البلوی بودن به دست می‌آید (امامی، ۱۳۸۸، ۱۳۰). ضمناً باید توجه داشت؛ ایشان بر این باورند که یافتن صغرای این اجماع نسبتاً دشوار است (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ۲۰-۶۴)، لکن با استفاده از روش‌های صغری‌یابی اجماع تقریری، دشواری کشف آن‌ها به مراتب کاهش خواهد یافت که -با وجود طرح مسئله صغری‌یابی در این مقاله- بررسی مفصل آن، مجالی غیر از نوشتار حاضر می‌طلبد. با توجه به این پیشینه، تبیین اجماع تقریری و شرایط آن در بین محققین کم‌سابقه بوده و قدم گذاشتن در امکان‌سنجی آن مسئله بدیعی است که این مقاله به آن اهتمام دارد.

در ابتدا نظریه اجماع تقریری و شرایط آن تبیین شده و سپس شرایط تحقق آن امکان‌سنجی می‌شود.

## ۱- تبیین اجماع تقریری و شرایط آن

این اجماع شکلی نواز اجماع دخولی است. در تعریف اجماع دخولی، وجود امام علیه‌السلام در بین علمای اجماع‌کننده فرض می‌شود و علمای اصولی با حجیت چنین اجماعی موافقت (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ۲۸۸؛ انصاری، ۱۴۱۶، ۱، ۸۳). چراکه وقتی امام علیه‌السلام عضو ناشناخته‌ی علمای اجماع‌کننده باشد، قول امام علیه‌السلام از اجماع کشف می‌شود. اما چون امکان یقین به وجود امام علیه‌السلام در بین مجمعین در عصر غیبت وجود نداشته و تحصیل چنین اجماعی قابل تحقق نیست، فقهاء اجماع دخولی را کنار گذاشته‌اند (انصاری، ۱۴۱۶، ۱، ۸۳).

در اجماع تقریری تبیین دیگری از اجماع دخولی انجام می‌گیرد که می‌توان به کشف قول امام علیه‌السلام راه یافت. با گذر دادن اجماع از عصر غیبت به برهه‌ای از عصر حضور معصومین علیهم‌السلام،

امکان تحقق شرایط اجماع تقریری فراهم می‌شود. اگرچه امکان وجود امام علیه السلام در عصر غیبت در میان مجمعین وجود نداشته است، اما قول و تأیید امام علیه السلام در عصر حضور قابل تصور است؛ امام علیه السلام می‌تواند بر اجماعات اصحاب خود مهر تأیید بزند. اگر اصحاب ائمه علیهم السلام پیرامون یک روایت یا کتاب روایی اجتماع و روایات موجود در آن را بپذیرند، به طوری که راویان هم‌عرض و طبقات بعدی، از او بسیار نقل روایت کنند، اجماع اصحاب ائمه علیهم السلام بر صدور آن از ائمه اطهار علیهم السلام شکل می‌گیرد. وقتی این اجماع در منظر امام علیه السلام شکل بگیرد و امام علیه السلام درباره آن سکوت کنند، در حقیقت آن را تقریر و تأیید فرمودند؛ در واقع، امام علیه السلام می‌توانست جلوی این اجماع را بگیرد و اصحاب را از خطا و گمراهی نجات دهد، اما این کار را نکرده‌اند که حکایت از تأیید دارد.

با نگاهی دقیق‌تر به تعریف و شرایط اجماع تقریری، می‌توان فهمید که این اجماع مصداق اجماع دخولی است. چراکه امام علیه السلام نه تنها با بیان روایت، نقطه شروع این اجماع هستند بلکه با سکوت خود، صدور روایت و فتوای اجماعی شکل گرفته میان اصحاب را تأیید کرده‌اند. نتیجه‌ی سکوت امام علیه السلام به شکل‌گیری یک ملازمت عقلی می‌انجامد؛ وقتی با وجود دسترسی و نظارت ایشان، اصحاب بر کتاب فتواگونه اجماع که این اجماع بر سر صدور روایات مندرج در آن است؛ عقل از چنین سکوتی تأیید مجمعین را برداشت می‌کند. در نتیجه، قطعاً امام علیه السلام بین مجمعین قرار می‌گیرد (خامنه، ۱۳۹۸)، و به جهت رکنیت تقریر ائمه علیهم السلام در این اجماع، از آن به **اجماع تقریری**.

قابل تذکر است، اطلاق اجماع به معنای اجماع واقعی نیست؛ چراکه اجماع تمامی فقهای شیعه قابلیت تحصیل ندارد و قاعدتاً از لحاظ اصطلاح اصولی منظور از اجماع، شهرت عظیمه خواهد بود (خامنه، ۱۳۹۸، ۳، ۹۸/۸/۱۴). از این رو بعضی از متأخرین - با اینکه مخالفان آن ناچیز باشند - صدق اجماع را می‌پذیرند (انصاری، ۱۴۱۶، ۱، ۸۳). در اینجا شهرتی مدنظر است که مقتضای تقریر امام علیه السلام را لازم آورد. براین اساس، شهرت‌هایی که با نفرات غیر قابل توجهی شکل می‌گیرند از اجماع مذکور خارج هستند؛ و از سویی دیگر، منظور از اصطلاح «اجماع»، اجماع کل اصحاب یا فقهاء نخواهد بود.

با این توضیحات مشخص است که اجماع تقریری نیاز به شرایطی دارد که مهیاشدن آن‌ها

برای کشف تأیید حضرات معصومین علیهم السلام بر اجماع اصحاب ضروری است. این شرایط عبارتند از:

۱. تعداد قابل توجهی از روایات هم عرض در طبقات مختلف با ضوابط علمی لازم، کتاب را نقل کرده و تلقی به قبول کنند؛ به گونه‌ای که اجماع و شهرت محقق شده بتواند کاشف از تأیید امام علیه السلام باشد.

۲. کتاب اجماعی باید کتاب عمل باشد و به مثابه‌ی فتاوی‌ای صاحب کتاب تلقی شود؛ به گونه‌ای که راوی صدور روایت را به شکلی یقینی به امام علیه السلام نسبت دهد. در این صورت، اجماع اصحاب به این معناست که اصحاب بر صدور روایات این کتاب اجماع داشته و به آن عمل می‌کردند؛ اما اگر کتاب صرفاً به نقل روایت بدون پالایش و ارزیابی بسنده کرده باشد، اجماع شکل گرفته به شهرت روایی شبیه خواهد بود و در اجماع تقریری کارایی ندارد.

۳. اجماع اصحاب در برهه‌ای از عصر حضور معصومین علیهم السلام تحقق یابد که امکان تأیید یا رد برای آن‌ها وجود داشته و روند گسترش احادیث شیعی در بین شاگردان و شیعیانشان تحت نظارت آن حضرات باشد. باین وجود است که عدم انعکاس صریح نظر امام علیه السلام درباره شهرت‌های تحقق یافته بین اصحاب معنادار بوده و عقل از آن تأیید اجماع‌کنندگان را درک می‌کند.

همین شرایط و دیگر ویژگی‌های گفته شده‌ی این اجماع روشن کرد که اجماع تقریری با دیگر اجماعات محصل مصطلح در علم اصول، همچون اجماع دخولی، اجماع لطفی، اجماع علمای متقدم و شهرت روایی تفاوت‌های اساسی دارد که نشانگر نو و ممتاز بودن مسیر آن در یافتن نظر معصوم علیه السلام است.

چگونگی و روش‌های تحصیل این اجماع فصلی مجزا می‌طلبید تا جزئیات و نکات اثر گذار و دقیق آن موشکافی شود و این امر از موضوع و مجال این مقاله خارج است و به نوشتار علمی دیگری نیاز دارد. اما جهت تصویرسازی روشن‌تری از امکان تحقق این اجماع لازم به اشاره است که سه روش در تحصیل شهرت کتب روایان وجود دارد:

- برخی از توصیفاتی که منابع رجالی متقدم به‌ویژه کتاب «رجال النجاشی» درباره کتب

راویان حدیث دارد، حکایت از شهرت این کتب در بین اصحاب حدیث داشته است. «یرویه جماعات من أصحابنا»، «الرواة عنه كثیرون»، «یرویه عنه جماعة كثيرة» و... تعدادی از این توصیفات است که شهرت کتاب را در نزد اصحاب نشان می‌دهد. به‌عنوان نمونه، نجاشی در توصیف کتب عبدالله بن سنان از تعبیر «روی هذه الكتب عنه جماعات من أصحابنا» استفاده کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ۲۱۴)؛ که حکایت از شهرت ویژه کتب عبدالله بن سنان بین اصحاب و روات معصومین علیهم السلام دارد.

– اعداد و ارقامی که به‌وسیله‌ی نرم افزارهای رجالی درباره تعداد شاگردان روات به‌دست می‌آید، می‌تواند در اثبات شهرت کتب راوی مورد نظر کمک شایانی داشته باشد که شرایط و نکات ویژه‌ای جهت تحصیل اجماع در آن باید مراعات شود. به‌عنوان مثال، یحیی ابوبصیر الاسدی، براساس نرم افزار درایة النور ۱۰۹ راوی مشخص دارد که در مقایسه با روات دیگر بیشترین تعداد شاگرد را نشان می‌دهد. از این رو دو کتاب «یوم و لیلۃ» و «الحج» وی، به میزانی که تأیید ائمه اطهار علیهم السلام را به‌همراه داشته باشد قابلیت شهرت‌یابی دارد (طوسی، ۱۴۲۰، ۵۰۴؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ۴۴۱).

– کتاب در دوران صاحب آن‌ها و توسط خود نویسنده به شهرت نمی‌رسد؛ اما امکان دارد شاگردان شهرت‌سازی داشته باشد که در نسل‌های بعدی روایات، این کتاب را به‌حد شهرت برسانند. در این روش، با دقت در شاگردان صاحب کتاب، امکان شهرت یافتن آن در نسل‌های بعدی بررسی می‌شود. با این روش می‌شود به شهرت کتب فضالة بن ایوب پی‌برد؛ مهم‌ترین شاگرد و اصلی‌ترین طریق کتاب «الصلاة» او حسین بن سعید است (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳۱۰). کتب وی از شهرت ویژه‌ای برخوردار بوده (نجاشی، ۱۳۶۵، ۵۸) و طبیعتاً روایات کتاب فضاله در کتب حسین بن سعید انعکاس دارد. پس، از طریق شهرت کتب حسین بن سعید روایات کتاب فضاله نیز شهرت یافته است.

## ۲- امکان سنجی تحقق شرایط اجماع تقریری

همان‌گونه که گذشت، برای تحقق اجماع تقریری شرایطی باید مهیا شود. امکان تحقق شرایط پیش‌گفته وابسته به بررسی شواهد و قرائن تاریخی است تا از رهگذر آن‌ها، اجماع تقریری از

انتزاعی بودن رها و نمایان شود که تراث حدیثی شیعه امکان تحقق شرایط آن را، نزدیک دیده‌اند و پژوهشگران حدیث می‌توانند از طریق این اجماع به قول معصوم دست یابند.

در ادامه، چهار سوال اصلی که برای این هدف لازم به نظر می‌رسند مورد بررسی قرار گرفته است:

## ۲-۱- ناقل بودن یا فتوایی بودن کتب

باید در نظر داشت، از دوران امام باقر علیه السلام - که دوران شکوفایی علمی شیعه است - بیشتر اصحاب سرشناس، روایات ائمه اطهار علیهم السلام را کتابت می‌کردند (خدامیان آرانی، ۱۳۸۹، ۱، ۲۸)؛ ضمناً حضرات معصومین علیهم السلام، خود دستور به این امر داده بودند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱، ۵۲). در نتیجه، میراث حدیثی شیعه مکتوب بوده و روایات اهل بیت علیهم السلام از طریق کتابت انتقال و رشد پیدا کرده است.

این میراث مکتوب اصحاب ائمه علیهم السلام به دو شکل قابل تصور است. در یک نوع، کتاب صرفاً به انگیزه جمع آوری آراء و اقوال منسوب به معصومین علیهم السلام تدوین شده باشد تا آیندگان خود در مورد روایات کتاب به داوری بنشینند. در نوع دیگر، مؤلف در تدوین کتاب به جمع آوری آراء قطعی معصومین علیهم السلام همت گماشته تا آن را به عنوان نظرات امام معصوم علیه السلام در جامعه شیعه نشر دهد. براین اساس باید پرسید آیا کتب روایی - فقهی ای که مورد استقبال اصحاب قرار گرفته‌اند صرفاً ناقل روایات بوده‌اند یا کتاب فتوایی و مستند به امام علیه السلام تلقی می‌شدند؟ همان‌گونه که گفته شد فقط در صورت دوم است که اجماع بر کتب اصحاب، می‌تواند به کشف نظر معصوم علیه السلام بیانجامد.

کتب راویان سرشناس و فقیه صرفاً برای نقل روایات و انتقال آن‌ها به دیگران نبوده است. اصحاب ائمه علیهم السلام با پالایش روایات، کتاب تألیف می‌کردند (مددی موسوی، ۱۳۹۳، ۱، ۱۴۳) تا به روایات آن‌ها عمل شود. آن‌ها روایاتی را که قبول داشته و به آن‌ها فتوا می‌دادند در کتاب خود می‌آوردند. در واقع این کتاب‌ها، کتاب عمل بوده‌اند، نه کتاب روایت؛ و لازمه‌ی کتاب عمل بودن، شهادت راوی به صدور روایات کتابش از امام معصوم علیه السلام است. (خامنه، ۱۳۹۸، ۴، ۹۸/۸۱۴). دیگر اثر فتوایی بودن کتب این است که اگر تأیید امام بر کتاب برقرار شود امضای



تمامی فتاوی آن محسوب خواهد شد؛ زیرا امضای اجمالی و مبهم کتابی که برای عمل کردن مکلفین نوشته شده است لغو بوده و در عمل با رد کردن کتاب نتیجه یکسانی دارد.

شواهد متعددی بر این سیرهی اصحاب سرشناس در کتب رجالی و فهرستی دیده می‌شود که کتب نگاشته شده توسط آن‌ها به قصد عمل مکلفین بوده و حیثیت فتوایی در آن‌ها مدنظر قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، به شواهدی اشاره می‌شود:

- شاگردان موثقی که در کتابشان بدون واسطه از امام علیه السلام نقل می‌کنند بی شک به صدور روایت شهادت داده‌اند و از جهت حجیت خبر واحد این نسبت باید واقعی باشد. اگر این روایات، فقهی باشند قاعداً برای عمل خواهند بود.
- همان‌گونه که اشاره خواهد شد فقهای اصحاب، به‌عنوان محل مراجعه علمی و فقهی شیعیان بودند. در نتیجه طبیعی است که کتاب‌های فقهی نگاشته شده‌ی آن‌ها مستند و فتوایی باشند تا ارائه آن به جامعه شیعه امکان‌پذیر باشد. اگر این کتب مسائل شرعی مورد ابتلاء جامعه شیعی آن دوران را پاسخ نمی‌گفتند چه کتب دیگری وجود داشت که پاسخگوی این نیاز جدی شیعیان باشد؟
- از مقایسه آثار کتب روایی و کتب فتوایی واضح می‌شود که شیوه نگارش دوم به مراتب بهره‌وری بالایی داشته است. اثر کتب روایی صرفاً انتقال روایات موجود به نسل‌های آینده است، بدون اینکه قضاوتی درباره صدورشان انجام گیرد؛ گسست نسلی در قضاوت رجالی و سندی نیز، داوری در این امر را برای نسل‌های بعدی دشوارتر می‌کند. اما اثر کتب فتوایی انتقال معارف و احکام شرعی صحیح است. به‌علاوه با این شیوه تراش شیعی از انحرافات حدیثی که توسط جریان‌های حدیثی مختلف ایجاد می‌شد مصونیت بیشتری پیدا می‌کند. در نتیجه اهتمام اصلی اصحاب، انتقال روایات صحیح به جامعه شیعه و نسل‌های بعدی بوده است که لازمه آن، نقل از کتب مستند و معتبر است. کتب در این صورت بیشتر به صورت فتوایی شکل می‌گیرند و شاگردان همراه با نظارت و تفقه در محتوا آن‌ها را انتقال می‌دهند.
- بسیاری از توثیق و تضعیفاتی که در کتب رجالی متقدم نسبت به اصحاب وجود دارد، بر اساس بررسی کتب آن‌هاست. چراکه آثار علمی اصحاب صرفاً کتب آن‌ها بوده است و

رجالیان بدون بررسی کتاب آن‌ها نمی‌توانستند به وزن علمی‌شان پی ببرند. به‌عنوان نمونه، اینکه نسبت غلوی که به بعضی از افراد داده‌اند به دلیل انعکاس روایات غلوآمیز در کتب آن‌ها است؛ اگر این کتاب‌ها منعکس‌کننده معتقدات و فتاوی‌ای آن‌ها نبودند و تنها نقل روایت محسوب می‌شدند، دلیلی بر تضعیف و توثیق آن‌ها به خاطر وجود روایات مخدوش نبود. مثلاً نجاشی درباره داود بن کثیر الرقی می‌گوید: وی جداً ضعیف است و [کتب] غلات از وی روایت نقل می‌کنند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۵۶)، یا درباره عبدالله بن القاسم الحضرمی می‌نویسد که غالی است و از [کتب] غلات روایت نقل می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۲۶)، یا وی درباره الحسن بن العباس بن الحریث بعد از شهادت به ضعف جدی او، می‌گوید کتاب او «ردیء الحدیث» است و الفاظ مضطربی دارد (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۶۰)، یا یونس بن ظبیان را بسیار ضعیف و تمامی کتاب‌هایش را مخدوش تلقی می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۴۸). این موارد و موارد شبیه به آن نشان می‌دهد که رجالیان متقدم کتاب‌های اصحاب را به‌عنوان اثر علمی و فتوایی آن‌ها تلقی می‌کردند.

- عناوین رساله‌هایی که توسط فقهای اصحاب نوشته می‌شد، مؤید این است که کتب روایی آن‌ها کتب عمل هستند. عناوینی مثل کتاب الصلاة، کتاب الحج، کتاب یوم و لیلة، کتاب الحرام و الحلال و... نشانه کتاب عمل بودن آن‌هاست.
- کتب رجالی و حدیثی، روایت‌های تاریخی مختلفی بیان کرده‌اند که نشانگر کتاب عمل بودن تألیفات اصحاب دارد. به مواردی از آن‌ها در زیر اشاره می‌شود:

۱. رجال کشی در مدخل محمد بن سنان - که از حمدویه بن نصیر نقل می‌کند - آورده است: ایوب بن نوح به من دفتری داد که احادیث محمد بن سنان بود. ایوب به ما گفت که اگر می‌خواهید از این کتاب نسخه برداری کنید، اما من چیزی از او برای شما روایت نمی‌کنم؛ چون محمد بن سنان قبل از فوتش به من گفت که این کتاب «وجاده» است و من روایات آن را «سماع» نکرده‌ام (کشی، ۱۴۱۹، ص ۵۰۷). این نشان از دقت اصحاب بر وثوق به صدور روایات و تلاش برای استناد صحیح به امام علیه السلام و تدوین کتب فتوایی دارد.

۲. نجاشی کتب حسین بن سعید را کتاب‌هایی خوب و برای عمل توصیف می‌کند

(نجاشی، ۱۳۶۵، ۵۸).

۳. حریر بن عبدالله کتابی در باب نماز داشته که بین اصحاب ائمه علیهم السلام معروف بوده است. به طوری که بعضی آن را حفظ می کردند. روایت شده که امام صادق علیه السلام از حماد بن عیسی می خواهد در برابر ایشان نماز نیکویی بخواند. حماد در پاسخ می گوید که من کتاب صلاة حریر را حفظ هستم (کلینی، ۱۴۲۹، ۶، ۱۴۱). در واقع این کتاب مثل رساله عملیه در باب نماز تلقی می شد.

۴. یونس بن عبدالرحمن، یکی از اصحاب سرشناس ائمه علیهم السلام در پاسخ به این اعتراض که چرا بعضی از روایات اصحاب را نمی پذیری؟ می گوید: هشام بن حکم به من از امام صادق علیه السلام نقل کرد که حدیثی را به ما منسوب نکنید مگر اینکه موافق کتاب و سنت باشد یا شاهی از احادیث متقدم ما در آن ها باشد؛ چراکه مغیره بن سعید - لعنة الله علیه - در کتب اصحاب پدرم دست برده است (کشی، ۱۴۱۹، ۲۲۴). این نقل تاریخی نشان می دهد که اصحاب سرشناس، اهل پالایش روایات بوده اند. در نتیجه روایات نادرست را از کتب علمی خود حذف کرده و کتاب خود را تصحیح شده می نوشتند.

۵. بعضی از کتب اصحاب، روایات صحیح و نادرست را در هم آمیخته آورده اند. اما دیگر اصحاب فقیه به تصحیح کتب آن ها همت داشتند. کسی مثل احمد بن محمد السیاری که تضعیف شده و به او نسبت غلو داده شده است، کتاب هایش را شخص فقیهی مثل محمد بن یحیی العطار با حذف غلوه ها و تخلیط هایش نقل می کند (نجاشی، ۱۳۶۵، ۸۰). کتاب محمد بن علی الصیرفی یا محمد بن علی ابوسمینه (طوسی، ۱۴۲۰، ۴۱۲) و محمد بن الحسن بن جمهور (طوسی، ۱۴۲۰، ۴۱۳) از مواردی است که کتب شان توسط دیگر اصحاب تصحیح شده است.

## ۲-۲- در دسترس بودن کتب و امکان نظارت فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

اجماع تقریری وقتی شکل می گیرد که امکان تأیید یا رد کتاب به دست امام علیه السلام وجود داشته باشد و همین مسئله است که آن را تبدیل به یک اجماع کاشف از قول معصوم علیه السلام به روش عقلی

می‌کند. دسترسی اصحاب و شاگردان به امام علیه السلام و متقابلاً دسترسی و نظارت امام علیه السلام به کتب یاران خود باید به گونه‌ای باشد که امام علیه السلام بتواند شهرت کتاب و اعتبار راوی آن را رد یا تأیید کند و توسط یاران فقیه امام علیه السلام جلوی گسترش آن گرفته شود یا شهرت آن امتداد پیدا کند. بر این مبنا، باید پرسید آیا کتب مشهور در دسترس امام علیه السلام بوده‌اند و ایشان توانایی رد یا تأیید این کتب را داشته‌اند؟ آیا اهل بیت علیهم السلام بر احادیث فقهی موجود در عصر خود نظارت فقهی می‌کردند؟

از دوران امام باقر علیه السلام تا مقطعی از دوران حیات امام هادی علیه السلام چنین فضایی برای ائمه علیهم السلام و اصحاب آن‌ها فراهم بوده و این دوران، همان دورانی است که امکان شکل‌گیری اجماع وجود دارد. در نتیجه سکوت امام علیه السلام در این دوران دلیل بر تأیید ایشان بر کتب شهرت یافته است. تراکم روایات در این دوره زمانی و وجود راویان برجسته که نقل، کتابت و حفاظت از روایات را وظیفه خود می‌دانستند، طبیعتاً مستلزم این است که آن‌ها به امام علیه السلام دسترسی داشتند و امام علیه السلام نیز می‌توانستند در فعالیت آن‌ها نظارت کند (خامنه، ۱۳۹۸، ۶، ۹۸/۷/۶؛ ۱۳۹۸، ۳، ۹۸/۷/۷).

شهر بغداد و قم از سال ۱۵۰ هجری قمری به بعد راویان جلیل قدری به خود دیده که صاحبان کتب مشهور شیعه هستند و اهل تنقیح و پالایش احادیث بوده‌اند (وبگاه دروس و آثار آیت‌الله سیداحمد مددی الموسوی، ۱۳۸۴/۸/۳۰). گذشته از این، شواهد جزئی از لابه‌لای نقل‌های تاریخی و روایی وجود دارد که از دسترسی و نظارت فقهی حضرات معصومین علیهم السلام در نقل و گسترش احادیث فقهی و کتب اصحاب حکایت دارد. به مواردی از آن اشاره می‌شود:

- عرضه برخی از کتب روایی به اهل بیت علیهم السلام؛ نقل‌های متعددی بر عرضه کتاب روایی به حضرات معصومین علیهم السلام جهت اعتبارسنجی وجود دارد. مانند عرضه «صحیفه الزهد» توسط ابوحمزه ثمالی به امام سجاده علیه السلام و تأیید محتوای آن توسط حضرت (کلینی، ۱۴۲۹، ۸، ۱۴)، عرضه کتاب سلیم بن قیس به امام سجاده علیه السلام (کشی، ۱۴۱۹، ۱۰۴؛ طوسی، ۱۴۱۱، ۱۹۴)، همچنین عرضه کتاب فرائض امیرالمؤمنین علیه السلام به امام رضا علیه السلام (کلینی، ۱۴۲۹، ۷، ۳۳۰) و نیز کسب تکلیف شیعیان نسبت به کتب بنی‌فضال (طوسی، ۱۴۱۱، ۳۸۹)، این‌ها نمونه‌هایی

از این موارد است و برای اطلاع بیشتر از مواردی که احادیث و کتب بر امام علیه السلام عرضه می‌شدند، می‌توان به نگاشته‌های محققین رجالی رجوع کرد (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷، ۵۲۹-۵۳۶). در اینجا به دو نمونه دیگر از عرضه کتب روایی به اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌شود:

۱. احمد بن ابی خلف نقل می‌کند که امام هادی علیه السلام برای عیادت من تشریف آورده بودند؛ بالای سر من کتاب «یوم و لیلۃ» یونس بن عبدالرحمن بود آن را برداشتند و ورق زدند. بعد از یک دور کامل ورق زدن سه بار فرمودند: خداوند یونس را رحمت کند (کشی، ۱۴۱۹، ۴۸۴).

۲. وقتی کتاب عبیدالله بن علی بن ابی شعبة الحلبي به امام صادق علیه السلام عرضه شد ایشان در وصف این کتاب می‌فرمایند: آیا برای آن‌ها [اهل سنت]، مثل این کتاب را دیده‌ای؟ (نجاشی، ۱۳۶۵، ۲۳۱)

• در بعضی روایت‌ها امام علیه السلام با شهرت‌های بی‌ضابطه که در بین اصحاب خود شکل گرفته است، برخورد می‌کنند. این برخوردها نه تنها از دسترسی حضرات به منابع فقهی اصحاب حکایت دارد بلکه توجه ویژه اهل بیت علیهم السلام را نسبت به اجرای مسئولیت حفاظت فقه شیعی از انحرافات و انگاره‌های وارداتی نشان می‌دهد که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۱. زراره از صحیفه‌ای در نزد امام باقر علیه السلام یاد می‌کند که امام صادق علیه السلام به امر ایشان آن را به زراره تحویل می‌دهند. اما امام صادق علیه السلام شرط می‌کنند که تا اجازه نداده‌اند نباید زراره آن را به کسی نقل کند. زراره می‌گوید بعد از مطالعه، آن را باطل دانستم چون مخالف آن چیزی بود که در نزد مردم وجود داشت. در عین حال امام باقر علیه السلام تأکید کرده‌اند که تمامی احکام آن صحیح و به املاء رسول‌الله و خط امیرالمؤمنین علیه السلام است... در نهایت، زراره از اینکه قسمتی از این کتاب از دسترس او خارج شده است، ابراز ندامت می‌کند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۳، ۵۶۱). زراره از این کتاب ارزشمند استفاده کرده و به‌همین جهت اصحاب برای دسترسی به روایات کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام به زراره مراجعه می‌کردند (حرعاملی،

۱۴۰۹، ۲۶، ۱۱۸). در حقیقت، امام علیه السلام به وسیله‌ی این کتاب در برابر شهرت‌های بی‌ضابطه‌ای که در بین عامه مردم وجود داشت واکنش نشان می‌دادند. پس به‌طریق اولی شهرت‌های فقهی شیعی، تحت نظارت اهل بیت علیهم السلام بوده است.

۲. با نگاهی به رهنمودهای ائمه اطهار علیهم السلام حساسیت جدی ایشان نسبت به روش‌های مرسوم در استنباط فتاوی فقهی آشکار می‌شود. در همین راستا حضرات معصومین علیهم السلام، با قیاس به‌عنوان یکی از منابع استنباطی متداول عصر به شدت مبارزه کرده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱، ۱۴۹-۱۳۴). قیاس نه‌تنها می‌توانست راه استنباط فقهی را به بی‌راهه ببرد بلکه در مواردی به‌جهت ظاهر معقولانه‌اش سرانجام به شهرت بی‌ضابطه ختم می‌شد. این جهت، در روایت معروف ابان بن تغلب به وضوح قابل استفاده است؛ وی در برابر فتوای امام علیه السلام بر اینکه اگر مردی ۳ انگشت زنی را قطع کند باید ۳۰ شتر دیه بدهد و اگر ۴ انگشت را قطع کند ۲۰ شتر باید بدهد، اظهار تعجب کرد و آن را نامعقول پنداشته و در نزد خود خلاف مشهور دانست. امام علیه السلام در پاسخ به او هشدار دادند که مبادا به قیاس گرفتار شوید (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۴، ۳۵۲). در واقع، حضرت قیاس را که علت چنین شهرتی بوده است نفی می‌کنند و این حکایت از نظارت جدی ایشان به عوامل شکل دهنده شهرت بوده است.

۳. از این روست که حضرات معصومین علیهم السلام شهرت‌های محقق در بین شاگردان خود را منبعی معتبر جهت سنجش روایات معرفی می‌کنند؛ چراکه نظارت دقیقی بر تحقق شهرت در جامعه فقهی شیعه وجود داشته است. همانطور که در مقبوله عمر بن حنظله به شهرت فتوایی اصحاب اعتبار می‌بخشند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱، ۱۷۰). چنین امری بیانگر این است که رشد تدریجی شهرت در بستر نظارت محسوس و غیر محسوس ائمه علیهم السلام قرار داشته است و این نظارت یا با نفی و اصلاح شهرت‌ها انجام می‌گیرد یا عوامل شکل‌گیری شهرت از میان برداشته می‌شود.

• با اینکه عموماً حضرات معصومین علیهم السلام ساکن کوفه نبوده‌اند ولی کوفه مرکز شیعیان بوده

است و آن‌ها دسترسی همیشگی به امامان علیهم‌السلام برای دریافت احکام و وظایف خود را نداشته‌اند. تربیت شاگردانی که رساننده تکالیف و وظایف مورد نظر امامان علیهم‌السلام به شیعیان‌شان هستند، یکی از راه‌کارهای حضرات معصومین علیهم‌السلام برای حذف فاصله مکانی بوده است. و البته اهتمام اهل بیت علیهم‌السلام برای تربیت شاگردان فقیه تا حدی بوده که امام صادق علیه‌السلام به أبان بن تغلب دستور می‌دهند که در مسجد مدینه بنشیند و فتوا دهد. این در حالی است که حضرت خود در مدینه حضور دارند (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۰). پرسش شیعیانی مانند احمد بن اسحاق از امام کاظم علیه‌السلام که معالم دینش را از چه کسی اخذ کند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱، ۳۳۰) و نیز معرفی راویانی مانند زراره و محمد بن مسلم به‌عنوان امینان خداوند در حلال و حرام الهی (کشی، ۱۴۱۹، ۱۷۰) شواهد دیگری است بر این که شاگردپروری، مرجعیت‌سازی و اعتباربخشی به برخی روات از سوی امام جهت پر کردن خلاء فاصله مکانی و دیگر محدودیت‌ها، فرآیندی است تا جامعه شیعی از معارف و احکام الهی بهره‌مند شوند. این فرآیند بی‌شک وقتی کامل بوده که نظارت فقهی امام بر نمایندگان علمی خود وجود داشته باشد تا شرایط نمایندگی از جمله جنبه‌های علمی شاگردان محقق باشد. مهم‌ترین نمود علمی هر یک از این شاگردان در کتبی بوده که منتشر می‌کردند و در واقع این کتب اصلی‌ترین سکوه‌های انتشار معارف و احکام الهی در جامعه شیعی بودند. طبیعتاً نظارت گفته شده، بیشتر باید نسبت به چنین کتبی که متعدد بودند انجام می‌گرفت.

کتب یاد شده در موارد قبلی، شرایط لازم برای نظارت اهل بیت علیهم‌السلام را دارا بودند؛ اما در مقابل برخی از کتب که از شهرت خوبی بین اصحاب برخوردار هستند، قابلیت تأیید حضرات معصومین علیهم‌السلام را ندارند. زیرا شهرت آن‌ها در عصری تحقق یافته که دسترسی به ائمه علیهم‌السلام جهت عرضه و نظارت، محدود یا ناممکن شده است. به‌عنوان نمونه، کتب سعد بن عبدالله هر چند بین اصحاب شهرت دارند اما مشخص نیست حیات فقهی وی به عصر امامت امام هادی علیه‌السلام رسیده باشد تا ائمه علیهم‌السلام بتوانند شهرت کتب او را تقریر کنند. در نتیجه، عملاً کتب او مشمول اجماع تقریری نخواهد شد (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۱، ۳؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۷۷).

## ۲-۳- شهرت در عصر علمای متقدم یا در عصر اصحاب ائمه علیهم السلام

در اجماع تقریری به صرف اینکه کتاب روات شهرت پیدا کند بسنده نمی‌شود؛ بلکه این شهرت باید در عصر معصوم باشد نه در دوران‌های بعدی و دوران غیبت صغری و کبری. در این صورت است که امکان تقریر و تأیید شهرت وجود خواهد داشت. در پی چنین شرطی، این مسئله پیش می‌آید که شهرت‌هایی که برای کتب روات در منابع رجالی ادعا می‌شود برای چه دورانی هستند؟ آیا در زمان صاحب کتاب و عصر اصحاب ائمه علیهم السلام شکل گرفته‌اند یا در زمان علمای متقدم مثل نجاشی شهرت یافته‌اند؟ و اینکه از منابع رجالی چگونه زمان تحقق شهرت را می‌توان یافت؟

در ابتدا باید اشاره کرد که روش‌های سه‌گانه‌ای برای کشف اجماع تقریری وجود دارد که هرکدام از آن‌ها ظرفیت روشن ساختن زمان اجماع اصحاب را دارند. در روش اول از توصیفات ارائه شده در منابع رجالی درباره‌ی کتب، استفاده می‌شود؛ در این منابع تعابیر مختلفی درباره شهرت کتب هست که با دقت در آن‌ها می‌توان به عصر تحقق شهرت پی برد. در این رابطه دو نوع تعبیر وجود دارد:

۱. «أخبرنا جماعة» (نجاشی، ۱۳۶۵، ۹۸) یا «أخبرناه عدة من أصحابنا» (نجاشی، ۱۳۶۵، ۵۰) یا...

۲. «رواه عنه جماعة» (نجاشی، ۱۳۶۵، ۲۲) یا «یرویه عنه جماعة كثيرة» (نجاشی، ۱۳۶۵، ۱۹۴) یا...

دسته اول از تعابیر به این معناست که شهرت کتاب یا کتاب‌های راوی در زمان امثال نجاشی و شیخ طوسی رخ داده است. معنای دسته دوم این چنین است که شهرت در زمان شاگردان صاحب کتاب تحقق یافته است. در این بین برخی از تعابیر نیز قابلیت انعکاس زمان تحقق شهرت را ندارند؛ مگر اینکه قرینه همراه آن‌ها وجود داشته باشد، مانند: «صنّف الكتب المشهورة».

در روش دوم کشف اجماع، تعداد قابل توجه شاگردان راویان مدنظر قرار می‌گیرد که روشن است این تعداد در عصر معصومین علیهم السلام تحقق داشته‌اند. در روش سوم به شاگردان شهرت‌ساز



صاحب کتاب نظر می‌شود که با رعایت ضوابط آن، شهرت کتاب اغلب در نسل بعدی شاگردانی که در عصر ائمه علیهم‌السلام حضور دارند تحقق می‌یابد.

## ۲-۴- اجماع حاصل از خبر واحد

در روش اول شهرت‌یابی که اشاره شد شهرت‌هایی که نجاشی برای کتب اصحاب در کتاب خود نقل می‌کند در حقیقت خبر واحد هستند. آیا با خبر واحد ظنی می‌توان قائل به اجماع تقریری محصل شد یا باید اجماع را منقول فرض کرد که در این صورت از اعتبار آن کاسته خواهد شد؟

اولاً: خبر نجاشی از شهرت کتب، خبر واحد حسی است نه حدسی. بر اساس مقدمه کتاب نجاشی، او طرق مختلفی به کتب مندرج در کتابش داشته که فقط به برخی از طرق آن‌ها اشاره کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ۳). به علاوه، وقتی نجاشی خبر از شهرت کتابی در عصر ائمه علیهم‌السلام می‌دهد، قاعداً بر اساس تعدد طرقی است که بطور حسی یا قریب به حس در نزد او موجود است (خامنه، ۱۳۹۸، ۹، ۹۸/۷/۱۶). بر این مبنا، حتی اگر اجماع تقریری اجماع منقول محسوب شود خللی در این مسئله ایجاد نمی‌کند؛ چون عدم حجیت اجماع منقول نزد اصولیان به خاطر حدسی بودن آن است و همین مسئله را دلیل بر عدم کاشفیت اجماع منقول از قول معصوم علیه‌السلام می‌دانند (سبحانی‌تیریزی، ۱۳۸۰، ۲، ۵۷). پس، اگر اجماع منقول حسی یا قریب من الحس باشد - مثل اجماع تقریری - حجیت آن مورد پذیرش است و از اخبار امثال نجاشی و شیخ طوسی تحصیل اجماع به دست می‌آید.

ثانیاً: شهرت کتب می‌تواند به وسیله‌ی خبر واحد محفوف به قرائن ثابت شود. مثلاً کتب حسین بن سعید به صورت مستقیم و غیر مستقیم مورد تأیید علمای متقدم بوده است. وقتی تعداد قابل توجهی از علمای متقدم به شهرت کتب حسین بن سعید اذعان می‌کنند به خبر نجاشی نیز اطمینان حاصل می‌شود.

ثالثاً: بر فرض اگر اجماع به وسیله‌ی خبر واحد ظنی حجت باشد، بر اساس همان مبنایی که قول رجالی را نزد اکثر علما حجت می‌کند این اجماع نیز حجیت خواهد داشت؛ چه از باب شهادت حجت باشد، چه از باب حجیت خبر واحد، چه از باب انسداد، چه از باب خبرویت و

چه از باب اطمینان. در واقع التزام به حجیت، تصدیق وقوع شهرت را لازم دارد. رابعاً: همان‌گونه که در پاسخ سوال قبلی آمد، روش‌های سه‌گانه‌ای برای کشف اجماع تقریری وجود دارد که صرفاً نسبت به روش اول چنین سوالی قابلیت طرح دارد و بر دیگر روش‌ها قابل تطبیق نیست چرا که دیگر روش‌ها بدون نیاز به خبر واحد تحصیل اجماع می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

- اجماع تقریری شهرت گسترده‌ای است که حول کتب اصحاب سرشناس عصر ائمه علیهم‌السلام و زیر نظر امام علیه‌السلام شکل می‌گیرد. عقل از سکوت اهل بیت علیهم‌السلام در برابر این اجماع، تأیید آن حضرات را درک نموده و حضور ائمه علیهم‌السلام را به‌عنوان نقطه شروع این اجماع کشف می‌کند. از این رو اجماع تقریری از مصادیق اجماع دخولی بوده و تردیدی در حجیت آن وجود ندارد.
- اجماع تقریری سه شرط اساسی برای حجیت لازم دارد: ۱- تعداد شاگردان ائمه علیهم‌السلام که بر صدور کتاب اجماع دارند قابل توجه باشد به طوری که عقل به واسطه سکوت اهل بیت علیهم‌السلام به تأیید آن حضرات پی ببرد. ۲- کتاب یا کتب اجماعی، از کتب عمل محسوب و روایاتشان به‌مثابه فتوای صاحب کتاب تلقی شوند. ۳- اجماع در برهه‌ای از عصر حضور ائمه علیهم‌السلام تحقق یابد که امکان تأیید آن وجود داشته باشد و حضرات ائمه جهت نظارت فقهی به کتب دسترسی داشته باشند.
- سه شیوه برای کشف اجماع اصحاب در عصر ائمه علیهم‌السلام بر کتب و روایات وجود دارد: ۱- رجوع به توصیفات منابع رجالی متقدم، به ویژه توصیفات کتاب رجال النجاشی از کتب روایت. ۲- بررسی تعداد شاگردان راویان مد نظر بر اساس اعدادی که نرم افزارهای رجالی ارائه می‌دهند. ۳- شاگردان شهرت‌سازی، در سند روایات یا کتب وجود داشته باشند که بعد از نسل صاحب کتاب، آن را به شهرت برسانند.
- بر اساس شواهد و قرائن متعدد، کتب روایی اصحاب، کتاب حدیثی صرف نبودند؛ بلکه اغلب کتاب عمل و کتاب فتوایی محسوب می‌شدند و با همین عنوان بین روایات انتقال پیدا می‌کردند. از این رو اجماع شکل گرفته بر چنین کتبی، اجماع بر عمل و صدور روایات این کتب بوده است.

- روایت‌های تاریخی متعددی نشان می‌دهد کتب اصحاب در دسترس معصومین<sup>۸</sup> بودند؛ در نتیجه سکوت ایشان دلیل بر تقریر کتب مشهور خواهد بود.
- تفاوت تعبیری مثل «أخبرناه جماعة» و «رواه جماعة» در منابع رجالی از روش‌های تشخیص معاصرت شهرت کتب در عصر اصحاب ائمه<sup>۸</sup> است؛ تعبیر اول حکایت از شهرت در عصر علمای متقدم دارد و تعبیر دوم نشانگر شهرت یافتن در عصر نگاشته‌شدن کتاب است.
- اجماع تقریری، اجماع منقول ظنی و حدسی نیست و قول نجاشی بر شهرت کتب حسی بوده و اطمینان‌آور است. اگر قول ظنی نیز پنداشته شود بنا بر حجیت قول رجالی اعتبار پیدا می‌کند.
- شواهد و قرائن نشان می‌دهد که تحقق شرایط و تحصیل اجماع تقریری امکان دارد و این اجماع می‌تواند از اجماعات پرکاربرد برای اثبات صدور روایات فقهی باشد.



## تقييم جدوى شروط تحقق الإجماع التقريري على أساس تاريخ الحديث الشيعي في عصر النزول

أمين العظيمي

الرضا لك علي آبادي

### المخلص

الإجماع من أهم المسائل في علم الأصول و أحد مصادر الاستدلال المهمة عند الفقهاء، لكن لوجود موانع مختلفة أصبح من المستحيل الوصول إلى كلمة المعصومين عليه السلام من طريق استعمال أي نوع من أنواع الإجماع سوي الإجماع التقريري الذي هو إجماع جديد استطاع أن يحل هذه المشكلة. وقد حاولت هذه المقالة، مع شرح جديد لها - وهي مأخوذة من الأستاذ السيد المجتبي خامنه - بالإضافة إلى إثبات صحتها، أن تفرق بين هذا الإجماع و الإجماع الدخولي؛ من خلال الإجابة على التحديات القائمة فيما يتعلق بإمكانية حدوث ذلك الإجماع و أثبت أن وجود الأئمة ممكناً بين المجمعين. و تحقيقاً لهذا الغرض، ينتقل الإجماع من عصر الفقهاء إلى عصر الأئمة، ويتكون إجماع تلاميذهم حول كتب الحديث. وفي الوقت نفسه، تم تحليل و وصف العديد من الأدلة التاريخية والروائية بطريقة تدوين الملاحظات، من أجل الإجابة على الأسئلة المتعلقة بإمكانية استيفاء شروطها، وتم الحصول على نتائج خاصة بهذه الطريقة؛ أولاً، التأكد على أن كتب الصحابة المجمع عليها هي كتب العمل والفتوى، ثانياً، إمكانية الموافقة على كتب الصحابة أو رفضها لعدد من الأئمة، ثالثاً، إمكانية اكتشاف الإجماع في عصر الأئمة، رابعاً: إمكانية التوصل إلى الإجماع على الرغم من أن شهرة الكتب منقولة.

### الكلمات المفتاحية

الإجماع، الإجماع التقريري، شهرة، الثقة بالإصدار، السيد مجتبي خامنئي.

azimi.a.14@gmail.com

Lakaliabadi@chmail.ir

١. طالب مستوى ٤ في الحوزة العلمية، مدرسة الإمام علي بن موسى الرضا عليه السلام بقم الفقهية.

٢. أستاذ دراسات العليا في الحوزة العلمية بقم.

## فهرست منابع

### الف) كتب

۱. ابن بابويه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق. «من لا یحضره الفقیه»، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۲. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، ۱۴۰۹ق، «کفایة الأصول»، چاپ اول، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم.
۳. انصاری، مرتضی بن محمدامین، ۱۴۱۶ق، «فرائد الأصول»، چاپ پنجم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم، قم.
۴. جزایری، محمد جعفر، ۱۴۱۵ق، «منتهی الدرایة فی توضیح الکفایة»، چاپ چهارم، مؤسسه دار الكتاب، قم.
۵. حسینی خامنه‌ای، سیدمجتبی، ۱۳۹۸ش، «تقریرات درس خارج اصول سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای»، بی‌جا، مدرسه عالی فقهی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، قم.
۶. حسینی شیرازی، سیدعلیرضا، ۱۳۹۷ش، «اعتبارسنجی احادیث شیعه (زیرساخت‌ها، فرایندها، پیامدها)»، چاپ اول، سمت، قم.
۷. خدامیان آرانی، مهدی، ۱۳۸۹ش، «فهارس الشیعة»، چاپ اول، مؤسسة تراث الشیعة، قم.
۸. خرازی، محسن، ۱۴۲۲ق، «عمدة الأصول»، چاپ اول، مؤسسه در راه حق، قم.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر ۱۳۸۸ق، «الوسیط فی أصول الفقه»، چاپ چهارم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم.
۱۰. شبیری زنجانی، سید موسی، ۱۴۱۹ق، «کتاب نکاح»، چاپ اول، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم.
۱۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، «وسائل الشیعة»، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.

۱۲. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۱ق، «الغیبة»، چاپ اول، دار المعارف الاسلامیة، قم.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۲۰ق، «فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول»، چاپ اول، مکتبة المحقق الطباطبائی، قم.
۱۴. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۱۹ق، «اختیار معرفة الرجال» چاپ اول، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب ۱۴۲۹ق، «الکافی»، چاپ اول، دارالحدیث، قم.
۱۶. مددی موسوی، سید احمد، ۱۳۹۳ش، «نگاهی به دریا»، چاپ اول، مؤسسه کتاب شناسی شیعه، قم.
۱۷. مظفر، محمدرضا، ۱۴۳۰ق، «أصول الفقه»، چاپ پنجم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم، قم.
۱۸. نجاشی، احمد بن علی، ۱۳۶۵ش، «رجال النجاشی»، چاپ ششم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم، قم.

## ب) مقالات

۱۹. امامی، مسعود، «اجماع مدرکی»، فقه اهل بیت (علیهم السلام)، سال ۱۵، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۱۰-۱۳۲.
۲۰. جناتی، ابراهیم، «نظریه حلیت ذبایح اهل کتاب»، کیهان اندیشه، شماره ۶۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵.
۲۱. جناتی، ابراهیم، «ادوار اجتهاد»، کیهان اندیشه، شماره ۴۰، مهر و آبان ۱۳۷۰، صص ۳۱-۴۷.
۲۲. ساعدی، جعفر، «اجماع در اندیشه شیعی»، فقه اهل بیت (علیهم السلام)، سال ۱۱، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۵۰-۱۹۹.
۲۳. عابدی شاهرودی، علی، «انواع استقراء: زمینه‌های عقلی و شرعی آن»، کیهان اندیشه، شماره ۲۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۸، صص ۳۰-۴۴.

۲۴. قبله‌ای، خلیل، «بررسی احکام فقهی و حقوقی حمل و جنین»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۵، صص ۵۷-۸۶.

### ج) سایت‌ها

۲۵. مددی موسوی، سید احمد، «تقریرات درس خارج فقه استاد سید احمد مددی موسوی»  
<https://www.ostadmadadi.ir/persian/article/13213>